

نگاهی به پشت پرده هتاکي نشریه فرانسوی به اعتقادات ایرانی ها

## سرخوردگی از آشوب، انتقام گیری در شارلی ابدو

**علیرضا تقوی نیا/** کاریکاتور موهن نشریه فرانسوی شارلی ابدو نسبت به رهبر معظم انقلاب اسلامی اگرچه انتقادات بسیاری را در مجامع داخلی و بین‌المللی برانگیخته، اما با توجه به ماهیت این کشور و بویژه مواضع کنونی سران آن نسبت به اتفاقات اخیر ایران چندان غیر طبیعی نیست و اتفاقاً با دیگر اقدامات دولت فرانسه همخوانی معناداری دارد. در حقیقت اگر فرانسه جز این عمل می‌کرد جای تعجب بود؛ چرا که هویت این کشور با چنین اقداماتی گره خورده و نمی‌توان آنها را از هم تفکیک کرد.

به نظر می‌رسد وضعیت سیاسی فرانسه که زمانی کشوری قابل توجه در اروپا بود، اکنون تا حد زیادی تنزل یافته و از برخی جهات دچار ابتذال شده است. باید توجه داشته باشیم که امانول مکرون رئیس‌جمهور کشور شده که عضو شورای امنیت سازمان ملل و اقتصاد سوم اروپاست و پرورش متفکرانی چون ژان ژاک روسو و مونتسکیو را در سابقه خود دارد. حال وضعیت سیاست این کشور به‌حدی تنزل یافته که رئیس‌جمهور این کشور با شخصیت‌های دست‌چندمی نظیر معصومه علی‌نژاد دیدار می‌کند؛ وقتی جایگاه ریاست‌جمهوری در این کشور به این روز افتاده باشد دیگر چه انتظاری از یک نشریه فکاهی در پاریس می‌توان داشت؟

البته از جنبه‌ای فرانسه حق دارد عصبانی باشد زیرا روزگاری همراه با بریتانیا چنان قدرت و نفوذی داشتند



تجمع مسلمان در اعتراض به طرح های موهن شارلی ابدو در لندن در سال ۲۰۱۵؛ روی یکی از پلکاردها نوشته شده: «توهین، آزادی بیان نیست»

سرزمین رافدین عرضه نماید که با روی کار آمدن دولتی نزدیک به محور مقاومت در بغداد، فرانسوی‌ها در آنجا نیز ناکام گشتند. ایضاً استراتژی هسته‌ای ایران، نوید ظهور یک قدرت جدید در این زمینه را

می‌دهد و بی‌تردید می‌توان گفت انحصار اتمی غربی‌ها در سال‌های آتی توسط یک کشور شرقی دیگر که مؤلفه‌های تلاش‌های ناکام کشورهای اروپایی در ۳ ماه اخیر جهت افزایش دامنه و سطح

جشمگیری، ظرفیت‌های جغرافیایی و انرژی بی‌بدیلی دارد، شکسته خواهد شد. موارد فوق را باید اضافه کرد به تلاش‌های ناکام کشورهای اروپایی در ۳ ماه اخیر جهت افزایش دامنه و سطح

افتخاشات ایران که با بی‌اهمیتی از سوی توده‌های اجتماعی درون جغرافیای تحت حاکمیت جمهوری اسلامی مواجه شد. از سویی بحران اوکراین که تأثیر مستقیمی بر امنیت اتحادیه اروپا دارد، با

مختصات سیاسی و اجتماعی نسل‌های دهه هشتاد و نود در گفت‌وگو با علیرضا شریفی یزدی

## گفتمان انقلاب اسلامی نسل‌های جدید را مطالبه‌گر کرده است

بیچیدگی‌های مواجهه و همراهی با نسل جدید، همواره جزویکی از مسائل مورد توجه نظام‌های سیاسی بوده است. البته سرعت تحولات مدرنیته و تغییرات فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی به وجود آمده بر اهمیت این موضوع افزوده است. مسأله نسل جدید در کشور ما که به دهه هشتادی نودی‌ها معروف هستند اما با رویکرد جدی‌تری در حال پیگیری است. نسل جدید ایرانی به دلیل رفتار متفاوت و دسترسی سریع به اطلاعات نیازمند درک و بیش هویتی است که بر اثر تحولات جهادی دچار بی‌هویتی و اضطراب رفتاری نشود. شناخت و معرفی انگیزه‌های رفتاری نسل جدید و آسیب‌های سیاسی و اجتماعی پیرامونی آنها اهمیت زیادی دارد. در ادامه همین مسأله و به‌منظور بررسی واقعیت نسل حاضر و نسبتی که آنها اکنون با جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی دارند به سراغ دکتر علیرضا شریفی یزدی، جامعه‌شناس و روانشناس اجتماعی داشته‌ایم و با وی گفت‌وگوی مفصلی داشته‌ایم که مشروح آن از منظر شما می‌گذرد.

**■ فکر می‌کنید تلقی نسل‌های جدید نظیر نسل‌های دهه ۸۰ و ۹۰ از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی چگونه است؟**

یکی از وظایف نسل‌های پیشین انتقال ارزش‌ها و هنجارها به نسل بعد از خودش بوده و این از وظایف نسلی آنها به‌حساب می‌آید که وقتی به‌درستی انجام نگردد، از آن تحت عنوان تفاوت میان نسلی و اگر زیاد باشد شکاف میان نسلی یاد می‌کنیم و گاهی هم پیش می‌آید نسل‌های قبل ارزش‌ها و هنجارهایی که دارند را یا بد منتقل می‌کنند یا در انتقال آن دچار مشکل هستند که ارتباطی برقرار نمی‌شود که در آن زمان این اختلاف و تفاوت میان نسلی و بعد شکاف میان نسلی منجر به گسست میان نسلی می‌شود؛ یعنی ارتباط منقطع می‌شود، ما در برخی حوزه‌ها بین نسل‌های قبل و نسل‌های جدید دچار شکاف میان نسلی هستیم که از آن جمله بُعد دیدگاهی، روشنی، نحوه تعامل میان نسل‌ها و امثال آنهاست.

در طول چهار دهه گذشته تجربیات ریزودرشت زیادی داشتیم و مانند هر انقلاب دیگری نقاط قوت و ضعف به خوبی مشاهده می‌شود، ولی در انتقال ارزش‌های واقعی مثل هشت سال دفاع مقدس و حماسه‌هایی که در آن انقلاب در دهه چهل یا نیمه اول دهه پنجاه به نسل جدید و بچه‌های دهه ۷۰ و ۸۰ و الان هم دهه نودی‌ها، می‌شد موفقیت‌های بیشتری داشته باشیم. به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که تاکنون به این موفقیت‌ها به‌طور کامل

دست پیدا نکرده‌ایم، روش تبلیغی است که ما در پیش گرفتیم. درحالی‌که باید از روش‌هایی استفاده کنیم که مورد مقبولیت و پسند نسل نوست و متأسفانه این کار را انجام نمی‌دهیم و از روش‌های خودمان استفاده می‌کنیم، دوم تفاوت بین گفتار و عمل بعضی از ماها به‌عنوان والد یا معلم است و هرکس دیگری که در این حوزه است یعنی ما در مقام گفتار به چیزهایی اشاره می‌کنیم که شاید در عمل نسل جدید خیلی آن را در ما نمی‌بینند. نکته دیگری که وجود دارد، وجود معضلات و مشکلاتی است که طی سال‌های اخیر در جامعه دیده می‌شود و وقتی نتوانیم این معضلات و مشکلات را به‌درستی تبیین کنیم، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که تکند اصل ماجرا زیر سؤال برود و برای آن مشکل ایجاد شود که این هم از ایرادات ما بزرگ‌ترهاست که نتوانستیم به شکل درستی این مشکلات را حل کنیم. از جمله کارهایی که اکنون لازم است انجام شود اول مسئول‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی است و باید اینها را به شکل مستندات کاملاً محکم و قابل قبول مانند انواع فیلم‌ها، داستان‌ها و... دربرآوریم، مسأله دوم این است که زبان جوانان را بفهمیم و این مستندات را در قالب جوان‌پسند و جوان فهم بتوانیم داشته باشیم و نکته سومی که در انتقال این ارزش‌ها و هنجارها اهمیت خیلی زیادی دارد داشتن زبان واقع‌گرایانه است، بعضی از مواقع ما آنقدر زبان را حماسی می‌کنیم که دیگر از دایره فهم جوان خارج می‌شود و به همین دلیل این واقع‌گرایی بسیار اهمیت دارد و نکته چهارم بهره‌گیری از رسانه‌های نوپدید است که ضریب نفوذ بالایی بین جوانان و نوجوانان دارند و از آن جمله می‌توان شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی و انواع هنرهایی که جوانان خیلی به آن علاقه دارند مانند هنر سینما، عکاسی و... را نام برد، این هنرها اکنون کارکرد بالاتری از هنری مانند شعر دارند که در یک دوره و نسل‌هایی علاقه بیشتری به آن وجود داشت، باید بتوانیم آن‌ها را از اینها به‌درستی استفاده کنیم تا این انتقال را به نحو درستی انجام دهیم.

**■ متولدان دهه ۸۰ و ۹۰ چه نظام مسائلی دارند و خط تقاطع این نظام مسائل با گفتمان جمهوری اسلامی کجاست؟**

این نسل یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌هایش رک‌گویی و حالت ترواوند بودن آنهاست یعنی می‌بینیم که نسبت به نسل‌های قبل خواسته‌های خود را رکت‌ر مطرح می‌کنند و خیلی مستقیم‌تر داستان آنها نسبت به نسل‌های قبل مطرح می‌شود. ما باید این را به‌عنوان یک امتیاز مثبت بنگریم که این نسلی است که خواستارتر از نسل‌های قبلی



است و بتوانیم از این خواسته‌ها در جهت باندنگی آنها و کشور استفاده کنیم. به‌رحال این نسل، نسل پر جنب‌وجوش و پرنرژ است و این ویژگی اول آنهاست، حال این رفتار کجا در تقابل با بعضی از ارزش‌ها و هنجارهای ما قرار می‌گیرد، شاید در مسائل عقیدتی این‌گونه باشد و بخشی از آن به نوع نگاه افراد به زندگی، نسبت به نگاه ما برمی‌گردد، یعنی تفاوتی که وجود دارد بین ارزش‌ها و هنجارهایی است که در دوره‌های پیش در جامعه حاکم بود و منبع اصلی آن نیز جامعه ایرانی به‌شمار می‌آید. با این نسل جدید است که بیشتر علاقه‌مند به جهانی‌شدن و منبع اصلی ارزش و هنجار خود را بیشتر از سبک زندگی که در سینما یا شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شود دریافت می‌کنند؛ این اختلاف‌ها ممکن است از این جهت مقداری برای ما ایجاد مسأله کند که زبان همدیگر را نفهمیم و متأسفانه مسأله گروه مرجع نیز اینجا مطرح است، به‌رحال گروه مرجع جوانان و نوجوانان چه به لحاظ پوشش و چه به لحاظ آرایش و نحوه سخن گفتن، عمدتاً هنرپیشه‌ها، بازیکن‌های ورزشی، هنرمندان، موزیسین و مانند آنها هستند که بخش بزرگی از این دهه ۷۰ و ۸۰ و الان نودی‌های ما گرایش عجیبی به برخی از آنها دارند که برخی حتی در کشورهای همسایه زندگی و در کشور ما فرهنگ‌سازی می‌کنند. در شرایطی که باید اعتقادات ما حتماً به زبان روز به نسل نو منتقل شود، ولی هنوز داریم از ابزارهای قدیمی استفاده می‌کنیم و این ضریب نفوذ این انتقال را در بین بسیاری از جوانان کاهش داده و اینجا مشکل از ماست؛ ما باید ابزارها و روش‌های

در زمان جنگ بوده‌اند و زنده هستند، - حتماً این مسائل باید منتقل شود و من امیدوار هستم که دستگاه تعلیم و تربیت و رسانه‌های ما بتوانند به‌خوبی این کار را انجام دهند.

**■ انقلاب اسلامی از نظر برقراری ارتباط با متولدین دهه‌های ۸۰ و ۹۰ تا چه اندازه موفق بوده است؟ نقاط قوت و نقاط ضعف آن کجا هستند؟**

به‌رحال نقاط قوت هم کم نداشته‌ایم؛ حقیقت امر این است که مطالبه‌گری نسل جدید را مدیون همین انتقال ارزش‌ها و تجربیات انقلاب می‌دانیم، به‌رحال از ویژگی‌های بارز انقلاب ما مقوله مطالبه‌گری آن بوده که ما آن را در دهه هفتادی‌ها و هشتادی‌ها می‌بینیم؛ در بعضی از جنبه‌ها اگر بخواهیم صادقانه صحبت کنیم حداقل برداشت خود من این است که بچه‌های دهه هفتادی و هشتادی شاید اخلاقی‌تر از حوره‌های دیگر بوده‌اند، برخلاف خیلی‌ها که این را به‌گونه دیگری ممکن است داورى کنند این هم از توفیقات بوده که انجام شده است، اما در زمینه بحث‌های حماسی مانند مبارزات قبل از انقلاب و دفاع مقدس خیلی موفق نبوده‌ایم که این نقطه ضعف ماست و بچه‌ها خیلی با این فضا آشنا نیستند. با اینکه تلاش‌ها و کارهای خوبی انجام شده و ما هنوز سندهای زنده‌ای داریم مانند جانبازان و خانواده‌های شهدا و امثال آنها که جلوی چشممان هستند، ولی خیلی توفیق حاصل نشده است.

نکنه دیگر فاصله بین شعار و عمل ماست؛ ما در مقام شعار خیلی حرف زده‌ایم، ولی به دلیل معضلات و مشکلات اقتصادی که وجود دارد و گاهی اخبار ریزودرشتی که از جاهای دیگر به‌اشکال مختلف می‌آید و تلاشی که دیگران برای ورق زین، حماسی و عجیب و غریب است، یعنی ما اگر بخواهیم آزادی و استقلال خود را حفظ کنیم ناچار هستیم ارزش‌های انقلاب را به دلایل مختلف به نسل جدید منتقل کنیم و این ضرورت مشخص است و اگر نبرداریم طبیعتاً مانند بسیاری از انقلاب‌های دیگر نسل‌های جدید با سرچشمه‌های انقلاب کم‌کم بیگانه می‌شوند و خلأیی ایجاد می‌شود که متأسفانه الان هم در جاهایی رگه‌های آن را می‌بینیم و وقتی چنین خلأیی ایجاد شد، طبیعتاً فرهنگ بیگانه رخنه می‌کند، خطر بزرگ این رخنه کردن این است که فرهنگ و هویت ما آرام‌آرام تغییر پیدا می‌کند و در یک بازه یکی و دو نسل دیگر آن موقع کسی نیست که بخواهد از این مباحث مهم دفاع کند.

امروزه توسط افرادی که انقلاب کردند، به‌عینه آن را دیده‌اند و کار کرده‌اند، - چه آنهايي که قبل از انقلاب بوده‌اند و سال‌های کهنولت را می‌گذرانند و چه آنهايي که

محرکه فرهنگ ایرانی است که نگاه باستانی دارد و دیگری محرم و صفر است، که می‌بینیم بین جوانان ما خیلی شایع و رایج است و می‌توانیم روی آنها مانور بدیم و آن‌شاء‌الله جوانان را به سمت درست و صحیح سوق دهیم تا عاقبت به‌خیری پیدا کنند و مملکت آینده بهتری داشته باشد.

**■ رسانه‌های خارجی و جریان‌های فرهنگی ناهم‌سو تا چه اندازه توانسته‌اند در برقراری ارتباط با نسل‌های جدید موفق باشند؟**

متأسفانه زیاد، به دلیل اینکه خلأها و محدودیت‌هایی که ما ایجاد کرده‌ایم، خواسته‌ها و گرایش‌های جوانان که وجود داشته و ما به دلایل مختلف مانند ناتوانی در برنامه‌ریزی، گاهی تعصب و گاهی تنگ‌چشمی و تنگ‌نظری نتوانستیم انجام دهیم، آنها آمده‌اند روی نسل ما سرمایه‌گذاری کرده‌اند و بیشتر این سرمایه‌گذاری هم روی قسمت جسمانی و لذت‌دنیایی و بحث شور بین جوانان بوده است؛ یکی از نقاطی که خیلی ما در آن ضعیف هستیم شادی‌زایی برای جوانان است، نتوانستیم چه در حوزه ورزش، چه حوزه هنر یا حوزه‌های دیگر برای جوانان‌مان محیطی شغف‌انگیز درست کنیم، میزان غم و غصه و این‌گونه موارد در فضای ما کم نیست و آنها هم آمده‌اند از این خلأ استفاده کردند و متأسفانه از این خلأ به‌خوبی بهره گرفتند و مخاطبین زیادی را با کمال تأسف به خود جذب کرده‌اند و اتفاقاً راه‌حل ما نیز در همین است؛ یعنی باید برویم به سمت اینکه با ایجاد محیط‌شاد و شغف‌انگیزتر جوانان را به سمت خود بکشیم تا بتوانیم ریزشی را که طی سال‌های اخیر داشتیم، جبران کنیم.

**■ از نظر حکمرانی و سیاست‌گذاری، متولدین دهه‌های ۸۰ و ۹۰ چه جایگاهی در سیاست‌گذاری دارند و چه برنامه‌هایی برای آنها به‌طور اختصاصی دنبال می‌شود؟**

این مسأله به دو بخش تقسیم می‌شود: یکی نگاه مقام معظم رهبری است که همیشه جوانانراست و همیشه به جوانان بها داده‌اند و همیشه هم توصیه ایشان این بوده که کار را به‌دست جوانان بسپارید و یک بخش آن هم قسمت‌های اجرایی قضیه است که معتقدم چندان در این زمینه موفق نبوده‌اند، به‌عنوان یک مدیر و حاکمیتی ما آن هستند، می‌رسد باید تدابیر جدی‌تری اندیشیده شود. در اینجا ما لغزش داریم، یعنی در تبدیل این نگاه به برنامه‌دچار مشکل هستیم و ضروری است این تبدیل به صورت کارشناسی انجام شود.